

چگونگی مبارزات درون حزبی در آمریکا و چرایی شکست هیلاری کلینتون

نویسنده: دکتر حسین دهشیار*

پیشگفتار

برای نخستین بار، یک سیاه‌پوست بعنوان نامزدی برجسته و با اعتبار در فرایند انتخابات شرکت کرده است؛ برای نخستین بار، یک نامزد سیاه‌پوست نامرتبط با جنبش حقوق مدنی سیاهان، به میدان آمده است؛ برای نخستین بار، یک زن بعنوان نامزد ریاست جمهوری، به گونه‌ی جدی مطرح شد؛ برای نخستین بار، همسر یکی از رؤسای جمهوری پیشین به پشتوانه توانایی‌ها و شایستگی خود در مبارزات مقدماتی، بعنوان نامزدی برجسته حضور یافت؛ سرانجام اینکه هر دو نامزد رقیب از حزب دموکرات، عضو سنای آمریکا بودند که البته رقیب جمهوریخواه آنان هم عضو سنا است.

به هر رو، نخستین بار است که چنین وضعی پیش آمده است.

باراک اوباما کمترین میزان حضور در صحنه ملی را داشته است. او در ۲۰۰۵ پا به میدان گذاشت،

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در مرحله مقدماتی سال ۲۰۰۸، یکی از متفاوت‌ترین انتخابات در این چند دهه بوده است. ستونهای برپادارنده هر انتخابات رابی توجه به تاریخ آن، باید موضوعات (راهبردهای سیاسی)، هویت و شخصیت نامزدها دانست. البته این ستونها وزن و اثری یکسان در تعیین نتایج ندارند. این شرایط حاکم بر جامعه است که روشن می‌کند کدامیک از این سه ستون بیش از دو ستون دیگر اثرگذار است.

تفاوت این انتخابات در مرحله مقدماتی با دیگر انتخابات درون حزبی دموکراتها بسیار چشمگیر بوده است. برای نخستین بار در تاریخ آمریکا، با پدیده‌هایی تازه و بی‌سابقه در این زمینه روبرو شده‌ایم.

* از دانشگاه علامه طباطبایی

در راه دستیابی به نامزدی حزب، پشتتاز است. در فرایند انتخابات، ارزیابی‌های مخرب و انتقاد آمیز و به شدت شخصی رسانه‌های لیبرال از هیلاری کلینتون، بسیار کارساز افتاد. این ارزیابی منفی رسانه‌ای در میان لیبرال‌های فرهنگی و لیبرال‌های با درآمد بالا، نگذاشت که نخستین زن مطرح در انتخابات ریاست جمهوری، حزب دموکرات را نمایندگی کند. اگر بپذیریم که رسانه‌های لیبرال که می‌بایست متحد طبیعی هیلاری کلینتون باشند، نقشی تعیین کننده در شکست نهایی او در رقابت تنگاتنگش با باراک اوباما داشته‌اند، بی‌گمان از دست رفتن پشتتازی را باید پیامد کار کرد و استراتژی انتخاباتی خود هیلاری کلینتون دانست. این بدان معناست که «دریافت» نادرست او از پویایی فرایند انتخابات درون حزبی، سبب شده است آنچه را همگان متعلق به او می‌دانسته‌اند از دست بدهد.

سه روش برای گزینش نمایندگان حزبی در

در حالی که هیلاری کلینتون حضور هشت ساله در کاخ سفید و فعالیت در کنگره از ۲۰۰۱ داشت. سرانجام پس از ماهها تلاش، باراک اوباما مبارزات درون حزبی را با پیروزی به پایان رساند. این پدیده در جای خود مهم است، ولی نکته مهم تر این است که این پیروزی چه اثری بر حزب دموکرات خواهد گذاشت و اینکه چگونه و به چه بهایی این پیروزی به دست آمده و چرا هیلاری کلینتون پایگاه حزبی گسترده تری از باراک اوباما داشته است. پیروزی باراک اوباما بسیاری از معادلات سنتی حزب را بر هم زده است. این پیروزی از سویی برای رهبران حزب دموکرات بسیار جالب توجه بوده است و از سوی دیگر پیش بینی نتایج انتخابات عمومی را سخت دشوار کرده است. اینکه مبارزه میان هیلاری کلینتون و باراک اوباما چگونه رقم خورد و چرا اوباما پیروز شد و چه هزینه‌هایی برای این پیروزی پرداخت شده، درخور بررسی است.

استراتژی انتخاباتی و انجمن‌های حزبی

○ حتی پیش از آغاز مبارزات و پیش از اینکه رقیبان انتخاباتی به بدگویی از یکدیگر پردازند، هیلاری کلینتون بالاترین نمره «منفی» را داشت. بسیاری کسان این ارزیابی ویلیام سفایر روزنامه نگار برجسته را باور داشتند که هیلاری کلینتون مانند دیگر سیاستمداران نیست. سیاستمداران بیشتر به حکم استراتژی است که بسیار دروغ می‌گویند، در حالی که «هیلاری کلینتون به حکم طبیعت و سرشت است که دروغ می‌گوید»؛ و بر پایه همین برداشت است که محافظه کاران به سادگی برضد او بسیج می‌شوند و از سوی دیگر فرهیختگان در حزب دموکرات نگاه چندان خوبی به هیلاری کلینتون ندارند.

دو سال پیش که هیلاری کلینتون تلاشهایش را برای نامزد شدن از سوی حزب دموکرات برای ورود به کاخ سفید در سال ۲۰۰۹ آغاز کرد، دو نکته مهم روشن بود: نخست اینکه در دو سوی راهروی سیاسی برداشت غالب این بود که او بعنوان یک نامزد در میان مبارزان از هر دو حزب، بیش از همه با نگاه و ارزیابی منفی آمریکاییان روبه‌رو است. حتی پیش از آغاز مبارزات و پیش از اینکه رقیبان انتخاباتی به بدگویی از یکدیگر پردازند، هیلاری کلینتون بالاترین نمره «منفی» را داشت. بسیاری کسان این ارزیابی ویلیام سفایر روزنامه نگار برجسته را باور داشتند که هیلاری کلینتون مانند دیگر سیاستمداران نیست. سیاستمداران بیشتر به حکم استراتژی است که بسیار دروغ می‌گویند، در حالی که «هیلاری کلینتون به حکم طبیعت و سرشت است که دروغ می‌گوید»؛ و بر پایه همین برداشت است که محافظه کاران به سادگی برضد او بسیج می‌شوند و از سوی دیگر فرهیختگان در حزب دموکرات نگاه چندان خوبی به هیلاری کلینتون ندارند. نکته دیگر اینکه، همگان معتقد بودند که در انتخابات مقدماتی درون حزبی، هیلاری کلینتون

حزب پدید آمد.

هیوبرت همفری معاون رئیس جمهوری که نامزد مورد نظر کسانی بود که اهرمهای قدرت را در حزب داشتند، و حتی تا مارس ۱۹۶۸ در مبارزات انتخاباتی شرکت نکرده و در هیچ یک از انتخابات مقدماتی حضور نیافته بود، با پشتیبانی رهبران حزب بعنوان نامزد حزب دموکرات برگزیده شد و به رویارویی نامزد حزب جمهوریخواه، ریچارد نیکسون، رفت. در خیابانهای شیکاگو محل کنوانسیون و در درون کنوانسیون بر خوردهای سخت میان اعضای حزب در گرفته بود. پس از شکست سنگین حزب در انتخابات عمومی، اصلاح شیوه و فرایند گزینش نامزد حزب مورد توجه قرار گرفت. تا ۱۹۷۲، برای گزینش نمایندگان که می بایست به کنوانسیون ملی حزب فرستاده شوند، در هر حوزه با برقراری انجمن حزبی انتخاباتی صورت می گرفت. مجموع این حوزه‌های انتخابیه در واقع شکل دهنده انجمنهای حزبی حزب دموکرات در هر ایالت بود. البته حزب دموکرات گزینه دیگری هم داشت و آن برگزاری کنوانسیون حزبی در هر ایالت بود. در آن کنوانسیون، نمایندگان که باید از ایالت در کنوانسیون ملی شرکت می کردند، مشخص می شدند. جدا از اینکه کدام راه انتخاب می شد، در عمل رهبران و فعالان حزبی بودند که در کنوانسیون ایالتی یا انجمنهای حزبی در ایالت شرکت می کردند و از میان آنان نمایندگان برگزیده می شدند و حضور رأی دهندگان اندک بود. پس از شکست ۱۹۶۸، این نیاز احساس شد که فرایند انتخاب نمایندگان برای حضور در کنوانسیون ملی باید ماهیت دموکراتیک بیابد و ویژگی‌های پایگاه حزب از دید جمعیت‌شناسی را منعکس کند. بنابراین کمیسیون مک‌گاورن-فریزر به سرپرستی جورج مک‌گاورن سناتور از داکوتای جنوبی و دونالد فریزر عضو مجلس نمایندگان از مینه‌سوتا تشکیل شد و دگرگونی بنیادی در فرایند گزینش نمایندگان برای حضور در کنوانسیون ملی پدید آمد: تصمیم گرفته شد که ۱- جدا از اینکه انتخاب از راه انجمن‌های حزبی یا برگزاری انتخابات مقدماتی باشد، شمار نمایندگان که به یک نامزد تعلق

○ آنچه امروز آشکارا به چشم می آید، این واقعیت است که فاصله باراک اوباما با جان مک کین در نظر سنجی‌ها تنها چند درصد است، در حالی که بر پایه شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی داخلی و مشکلات و مسائل خارجی ایالات متحده، این فاصله می بایست بسی بیشتر باشد.

کنوانسیون ملی حزب دموکرات که مسئول اعلام نامزد حزب برای مبارزات عمومی است وجود دارد. در کنوانسیون ملی حزب دموکرات، ۴۲۳۴ تن بعنوان نمایندگان حزبی متعهد (Pledged Delegate) در سال ۲۰۰۸ شرکت می کنند. در کنار این نمایندگان حزبی متعهد، ۸۰۸ نماینده هم بعنوان ابر نماینده حزبی (Super Delegate) یا نماینده حزبی اتوماتیک (Automatic Delegate) حضور دارند. نمایندگان حزبی متعهد از راه رأی گیری در انتخابات مقدماتی (Primary) و همچنین در انجمن‌های حزبی (Caucuse) برگزیده می شوند. نمایندگان که در انتخابات مقدماتی یا انجمنهای حزبی برگزیده می شوند، بر پایه عرف، متعهد به نامزدی هستند که به علت پشتیبانی از او برگزیده شده‌اند. این بدان معناست که آنان در کنوانسیون ملی حزب باید به همان نامزد رأی بدهند. ابر نمایندگان حزبی یا نمایندگان اتوماتیک را حزب تعیین می کند و به کنوانسیون می فرستد تا بر پایه نظر و گرایش و ارزیابی خود به نامزدی که می خواهند رأی بدهند. ابر نمایندگان حزبی بیشتر از میان اعضای کمیته ملی دموکراتیک، فرمانداران دموکرات، رهبران حزب در ایالتها، سناتورهای دموکرات و اعضای دموکرات مجلس نمایندگان برگزیده می شوند. تا دهه هفتاد، رهبران حزبی نقش تعیین کننده در گزینش نامزد حزب دموکرات داشتند. در انتخابات ۱۹۶۸، در سایه جنگ ویتنام و تنشهای نژادی، شکاف بزرگی در میان حامیان

و آن تفاوت هیلاری کلینتون و باراک اوباما در رابطه با يك موضوع کلیدی برای رأی دهندگان به حزب دموکرات و بویژه لیبرال‌های حزبی بود. هیلاری کلینتون در سنا به تصمیم جورج دبلیو بوش برای حمله به عراق رأی مثبت داده و آنرا تأیید کرده بود، در حالی که باراک اوباما از آغاز با این کار مخالفت ورزیده بود. البته او به هنگام رأی گیری، هنوز به عضویت سنای آمریکا در نیامده بود ولی بعنوان عضو سنای ایالت ایلوی نویز مخالفت خود را ابراز کرده بود. از همین رو، جناح لیبرال و به عبارتی جناح پیشرو حزب که برای آنها موضوع جنگ عراق اهمیت بسیار دارد، به جرگه پشتیبانان باراک اوباما پیوستند. پس، از همان آغاز بر همگان روشن بود که لیبرال‌های حزب رأی خود را برای اوباما کنار گذاشته‌اند و در انتخابات درون حزبی به سود او تلاش خواهند کرد.

تیم انتخاباتی هیلاری کلینتون این نکته را در نظر نگرفت که بیشتر رأی دهندگان در انتخابات درون حزبی در ایالاتی که در آنها گزینش نمایندگان از راه برگزاری انجمن‌های حزبی صورت می‌گیرد، سخت لیبرال و به گونه چشمگیر فعال و متعصبند.

هیلاری کلینتون و باراک اوباما در پنجاه ایالت و در منطقه واشنگتن فعالیت کردند و طرفداران خود را به

○ اینکه هیلاری کلینتون نزدیک به ۱۸ میلیون رأی دهنده را به خود جذب کرد، اینکه توانست در بزرگترین ایالتها که برای پیروزی حزب دموکرات اهمیت دارد برنده شود، از همه مهمتر ترکیب رأی دهندگان به باراک اوباما، تا اندازه زیادی می‌تواند روشن کند که چرا نامزد دموکرات، با برخورداری از شرایط مساعد، باز در برابر نامزد جمهوریخواه چنین ناتوان و آسیب پذیر است.

می‌گیرد، به نسبت رأی آن نامزد باشد و برای اینکه نامزد بتواند نماینده به دست آورد، دست کم دارای ۱۵ درصد آرا شده باشد. بدین سان، این شیوه که نامزدی که رأی بیشتری دارد همه نمایندگان آن ایالت را به دست آورد، کنار گذاشته شد. ۲- ابر نمایندگان یا نمایندگان حزبی اتوماتیک هم برگزیده و به کنوانسیون ملی فرستاده شوند. این نمایندگان می‌بایست از رهبران حزبی باشند و از سوی حزب برگزیده شوند و در کنوانسیون بتوانند به هر نامزدی که می‌خواهند رأی بدهند؛ در حالی که نمایندگان که در انجمن‌های حزبی یا از راه انتخابات مقدماتی بوسیله رأی دهندگان برگزیده می‌شوند، متعهدند در کنوانسیون ملی به نامزد انتخاب شده از سوی رأی دهندگان رأی بدهند. ۳- شمار نمایندگان شرکت کننده از هر ایالت در کنوانسیون ملی حزب به نسبت برابر، زن و مرد باشند. ۴- شرایط به گونه‌ای باشد که در میان نمایندگان حزبی حاضر در کنوانسیون ملی، سیاهان و دیگر اقلیتها فراوان باشند. این دگرگونیها باعث شد که از يك سو فرایند گزینش نامزد بسیار طولانی شود و از سوی دیگر نقش رأی دهندگان لیبرال در حزب دموکرات افزایش یابد؛ زیرا بیشتر رأی دهندگانی که در انجمن‌های حزبی شرکت می‌کنند و به نامزد مورد علاقه خود رأی می‌دهند، بسیار فعالند، به مسائل سیاسی و موضوعات مطرح توجه فراوان دارند و به جناح لیبرال حزب وابسته‌اند.

سرانجام آنچه باید یکی از عوامل اصلی ناکامی هیلاری کلینتون شمرده شود، چشم بستن تیم انتخاباتی او بر نکته‌ای ظریف بود:

تیم انتخاباتی هیلاری کلینتون استراتژی خود را در مرحله انتخابات درون حزبی بر این گذاشت که در ایالات پر جمعیت و بزرگ که انتخابات مقدماتی در آنها برای فرستادن نمایندگان حزبی به کنوانسیون ملی صورت می‌گرفت، به پیروزی برسد و دست کم ۲۱۱۸ نماینده به دست آورد. بدین سان، منابع انتخاباتی را بر ایالاتی متمرکز کرد که در آنها انتخابات مقدماتی برگزار می‌شد. هواداران این استراتژی که به ظاهر بی‌نقص و بسیار منطقی جلوه می‌کرد، يك واقعیت را نادیده گرفتند

از نظر شمار نمایندگان حزبی متعهد از هیلاری کلینتون پیش افتد و فاصله خود را با او افزایش دهد؛ فاصله‌ای که کلینتون با وجود پیروزی در ایالت‌های بزرگ دیگری چون اوهایو و پنسلوانیا در مراحل پایانی انتخابات، نتوانست آنرا از میان بردارد. (نمودار ۲) از همین رو ابرنمایندگان حزب نیز که تعهدی به هیچیک از دو نامزد نداشتند به سود خود دیدند که به باراک اوباما گرایش نشان دهند. رهبران حزبی که همان ابرنمایندگان حزبی هستند چون برتری باراک اوباما را دیدند به او پیوستند زیرا آگاه بودند که «... حزب نمی‌تواند در میدان (سیاست) بماند، مگر اینکه نامزدی مؤثر و با اقتدار معرفی کند». ^۲ وظیفه اصلی حزب این است که به «سازمان‌دهی مشارکت بپردازد» ^۳ و با توجه به شوری که باراک اوباما در رأی دهندگان هوادار حزب دموکرات پدید آورد، طبیعی بود که رهبران حزبی باراک اوباما را در

پای صندوق‌های رأی فرستادند. با توجه به اینکه در تگزاس و ایالت واشنگتن، هم روش رأی‌گیری در انجمن حزبی و هم روش برگزاری انتخابات مقدماتی برای تعیین نماینده حزبی وجود دارد، هیلاری کلینتون و باراک اوباما بر سر هم در ۳۸ انتخابات مقدماتی و در ۱۵ مورد رأی‌گیری در انجمن حزبی شرکت کردند. اوهایو نخستین ایالت بود که برای تعیین نامزد حزب دموکرات در آن، با تشکیل انجمن حزبی رأی‌گیری شد. آنچه برای هیلاری کلینتون دور از انتظار بود، پیش آمد و او در نخستین مبارزه از باراک اوباما شکست خورد. این آغاز افتادن به سر‌اشیب بود و پندار گریزناپذیر بودن پیروزی کلینتون، یکبارہ فرو ریخت. در آیوا نیز، فعالان حزبی که لیبرال و سخت‌مخالف جنگ بودند، شکست را برای هیلاری کلینتون رقم زدند. جز در انجمن‌های حزبی در نوادا و نیومکزیکو، باراک اوباما در همه انتخابات برگزار شده در انجمن‌های حزبی پیروز شد. (نمودار شماره یک)

○ یکی از گروه‌هایی که نقش تعیین‌کننده در پیروزی این یا آن نامزد در انتخابات نوامبر آینده خواهد داشت، گروه سفیدپوستان است. هر چند بر اثر دگرگونی بنیادی در ترکیب گروه‌های مهاجر به آمریکا، شمار رأی‌دهندگان غیر سفیدپوست رو به افزایش است، ولی سفیدپوستان همچنان بالاترین رقم را به خود اختصاص می‌دهند. در کنار اهمیت چشمگیر رأی‌دهندگان سفیدپوست در رقم‌زدن سرنوشت انتخابات، باید نقش کارساز رأی‌دهندگان بالاتر از چهل سال را در نظر گرفت. این گروه سنی، بیشترین رأی‌دهندگان را در برمی‌گیرد. در همان حال، در سایه افزایش مهاجرت از آمریکای لاتین، پیوسته بر شمار اسپانیایی‌تبارها در میان رأی‌دهندگان افزوده می‌شود.

در فرایند انتخابات آمریکا، پیروزی در آیوا، از آن رو که نخستین ایالتی است که انتخابات در آن برگزار می‌شود، بسیار اهمیت دارد: از یک سو، اگر کسی که پیش از برگزاری انتخابات، پیروز دانسته می‌شود در این نخستین مبارزه ببازد، سخت از چشم رسانه‌ها می‌افتد و کمک‌کننده‌های بزرگ مالی برای تأمین هزینه‌های انتخاباتی او دچار شک و تردید می‌شوند. از سوی دیگر، اگر کسی که انتظار پیروزی نمی‌رود، در آیوا برنده شود، یکبارہ کانون توجه رسانه‌ها می‌شود. باراک اوباما از آن رو که استراتژی انتخاباتی خود را بر پایه پیروزی در بیشترین انجمن‌های حزبی گذاشته بود، از همان آغاز کار، به گردآوری نمایندگان متعهد پرداخت و با پیروزی‌های پیاپی در انجمن‌های حزبی بیشترین شمار نمایندگان متعهد در ایالت‌های کوچک را به دست آورد.

در ضمن از آنجا که شمار نمایندگان، بسته به رای‌است که هر نامزد به دست می‌آورد، اوباما هر چند در ایالت‌های بزرگ مانند نیویورک، نیوجرسی و کالیفرنیا باخت، اما به نسبت رأی خود، با فاصله‌ای اندک از هیلاری کلینتون در این ایالت‌ها نماینده به دست آورد. به هر رو، پس «سه‌شنبه بزرگ» او در پنجم فوریه توانست

○ اواما در طول مبارزات درون حزبی نشان داد که در انتخابات عمومی در نوامبر آینده، سخت آسیب پذیر خواهد بود. او بر هیلاری کلینتون پیروز شد چون بیشترین پشتیبانی را از جناح لیبرال حزب دموکرات به دست آورد. ولی هیلاری کلینتون در انتخابات درون حزبی به سادگی توانست باراک اواما را در میان سفیدپوستان، اسپانیایی تبارها، زنان، گروههای سنی بالا شکست دهد. باراک اواما در رقابت با هیلاری کلینتون برای به دست آوردن رأی سفیدپوستان، بسیار ضعیف ظاهر شد و این ضعف در ایالت‌های بزرگ مانند تگزاس و اوهایو و نیز ایالت‌های متوسط همچون مریلند آشکارتر بود.

رفتند و به باراک اواما پیوستند. مشارکت گسترده‌تر، کمکهای مالی هنگفت را به اردوگاه باراک اواما سرانبر کرد و در این زمینه فاصله‌ای چشمگیر میان دو نامزد پدید آمد. مقدار کمکهای مالی به باراک اواما در این مرحله از مبارزات انتخاباتی، در سراسر تاریخ معاصر بی‌مانند بود و چه بسا یکی از علل افزایش رأی دهندگان شد؛ زیرا هر چه پول بیشتری برای مبارزات انتخاباتی از سوی یک نامزد خرج شود، احتمال افزایش شمار رأی دهندگان بیشتر می‌شود، چرا که اطلاعات گسترده‌تری در دسترس شهروندان قرار می‌گیرد و آنان با موضوعات آشنا تر می‌شوند و در نتیجه مشارکتشان افزایش می‌یابد.^۸

خطای استراتژیک هیلاری کلینتون از جهت نادیده انگاشتن اهمیت انجمنهای حزبی در تعیین پیروز نهایی و تأکید فزاینده او بر اعتبار و ارزش انتخابات مقدماتی، شرایط را به گونه‌ای رقم زد که او با وجود پیروزی در بزرگترین ایالتها، نتوانست نمایندگان حزبی لازم را

سنگش با هیلاری کلینتون نامزد مناسب‌تری بیابند. باراک اواما در طول مبارزات درون حزبی توانست ۱۸ میلیون رأی به دست آورد که این شمار شرکت کننده در این مرحله، بی‌مانند بوده است. البته هیلاری کلینتون هم نزدیک به همین مقدار رأی بدست آورد. چون یکی از کارویژه‌های سه‌گانه حزب، شرکت در انتخابات^۹ برای رسیدن قدرت است، رهبران حزب دموکرات باراک اواما را از شانس بیشتری در این زمینه برخوردار دیدند. «سیستم نسبی» یعنی به دست آوردن نماینده حزبی متعهد بر پایه میزان رأی که پس از اصلاحات ۱۹۷۲ از سوی حزب دموکرات دنبال شده، شرایطی پدید آورده است که یک نامزد می‌تواند در انتخابات یک یا چند ایالت بیازد، اما همچنان شمار بیشتری نماینده در سنجش با برنده آن انتخابات داشته باشد. در چارچوب این سیستم است که در حزب دموکرات، برخلاف حزب جمهوریخواه، انجمنهای حزبی اهمیت بسیار یافته‌اند.

«سیستم انتخاباتی نسبی... اهمیت مبارزات انتخاباتی اولیه را افزایش می‌دهد».^۵ تیم انتخاباتی هیلاری کلینتون با بی‌توجهی به مراحل گوناگون فرایند انتخابات مقدماتی درون حزبی، این فرصت را برای باراک اواما فراهم آورد که با بهره‌گیری از چارچوب ساختاری حزب، پیروزی خود را امکان‌پذیر کند. هیلاری کلینتون برنامه مناسب برای «انتخابات مقدماتی نامری» نداشت و برخلاف باراک اواما، در برنامه‌ریزی برای شرکت در انتخابات پیش از اعلام نامزدی، به اولویت‌بندی برای صرف منابع و امکانات با تکیه بر ایالت‌هایی که نخستین انتخابات در آنها برگزار می‌شد پرداخت. هیلاری کلینتون برخلاف اواما که می‌دانست پیروزی در نخستین ایالت تا چه اندازه مهم است، توجهی به اهمیت پیروزی در آیوا بعنوان نخستین ایالتی که انتخابات در آن برگزار می‌شد، از دید رسانه‌ها نکرد. او این نکته را از نظر دور داشت که نخستین پیروزیها در تعیین پیش‌تاز واقعی، چه اثری دارد.^۶

از آن رو که افزایش مشارکت اعضای حزب شانس پیروزی در انتخابات عمومی ماه نوامبر را سخت افزایش می‌دهد،^۷ بسیاری از ابرنمایندگان حزبی که تعهدی به این یا آن نامزد ندارند، از اردوگاه هیلاری کلینتون بیرون

گذشته خود را دموکرات معرفی می‌کنند. در این دوره بیشتر رأی‌دهندگان در شرایط رقابت انتزاعی (generic competition) به نامزد دموکرات گرایش دارند. اوضاع اقتصادی امروز نیز در سنجش با اوضاع آمریکا به هنگام آغاز زمامداری جورج دبلیو بوش، مطرح‌کننده شاخصهای منفی بسیار است. هر چند جان مک کین مسئولیتی در این زمینه ندارد، اما چون رییس جمهوری کنونی از همان حزبی است که او نامزد آن است، نظر بسیاری از رأی‌دهندگان معطوف به هشت سال گذشته خواهد بود؛^۱ و این، بی‌گمان به سود نامزد دموکرات است. برای نخستین بار در چند دهه اخیر، آمریکا درگیر جنگی زمینی در سرزمینی دور دست است و با گذشت بیش از پنج سال از اشغال عراق، هنوز به پیروزی کامل و هدفهای خود نرسیده است. بسیاری از آمریکاییان جنگ عراق را غیر لازم و بیهوده می‌دانند و بار مسئولیت آنرا به دوش رییس جمهوری از حزب محافظه کار می‌گذارند و نامزد دموکرات می‌تواند بالاترین بهره را از این نظر رأی‌دهندگان ببرد. بر پایه آنچه گفته شد، رأی‌دهندگان را از زاویه شناسایی حزبی (party identification) می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم کرد: دموکرات سخت وفادار (strong)، دموکرات با وفاداری حزبی اندک، دموکرات مستقل، مستقل غیر حزبی، جمهوریخواه سخت وفادار، جمهوریخواه با وفاداری اندک و جمهوریخواه مستقل. با توجه به اینکه امروزه شمار دموکراتهای وفادار در سنجش با چند دهه گذشته از همیشه بیشتر است و شمار جمهوریخواهان سخت وفادار به همان اندازه کاهش یافته است، پیروزی باراک اوباما در انتخابات چهارم نوامبر آینده به ذهن می‌آید.

از دید پاول بک، رأی‌دهندگان بر سر هم از دو دسته کلی هستند: «یک گروه وفادار حزبی که از نظر ایدئولوژیک قطبی شده است... و گروه دیگر که مستقل و غیر حزبی است...»^۱ اما آنچه امروز آشکارا به چشم می‌آید، این واقعیت است که فاصله باراک اوباما با جان مک کین در نظر سنجی‌ها تنها چند درصد است، در حالی که بر پایه شرایط اجتماعی،

○ باراک اوباما در ایالت‌هایی که اکثریت جمعیت با سفیدپوستان است، در برابر جان مک کین با دشواری روبه‌رو خواهد شد. در میان رأی‌دهندگان دموکرات که وفاداری حزبی اندک دارند، باراک اوباما با این احتمال جدی روبه‌رو است که رأی آنها را به دست نیاورد. با توجه به اینکه او برای پیروزی در انتخابات عمومی ماه نوامبر باید بیش از نیمی از آرای مستقل‌ها را که بیشتر از سفیدپوستانند به دست آورد، مشکل بزرگتر جلوه می‌کند.

به دست آورد. او که پیش از آغاز رسمی مبارزات درون حزبی، نامزد بی‌چون و چرای حزب دموکرات شناخته می‌شد، بزرگترین فرصت را که بعنوان نخستین زن، نامزد ریاست جمهوری از یکی از دو حزب مهم آمریکا باشد، از کف داد. بر سر هم شاید بتوان گفت که اصلاحات انجام شده در ۱۹۷۲ در شیوه گزینش نامزد حزب دموکرات، مهمترین علت شکست هیلاری کلینتون بوده است.

گروههای کلیدی برای پیروزی

ماهیت رأی‌دهندگان به هیلاری کلینتون و باراک اوباما نشان از این دارد که هر چند روشهای حاکم بر فرایند انتخابات در درون حزب دموکرات راه پیروزی نامزد سیاه‌پوست را هموار ساخته است، ترکیب اقتصادی و اجتماعی پایگاه حزب و گروههای سازنده آن این احتمال را افزایش می‌دهد که در سالی که دموکراتها باید به آسانی بتوانند به کاخ سفید راه یابند، از این هدف باز مانند. این دوره از انتخابات ریاست جمهوری از هر نظر نشان از آن دارد که دموکراتها باید به آسانی بتوانند جمهوریخواهان را شکست دهند. دموکراتها در حال حاضر بالاترین میزان شناسایی حزبی را در چند دهه اخیر دارند و بیشتر رأی‌دهندگان در سنجش با دوره‌های

سهم باراک اوباما از رأی سفیدپوستان در ایالت‌های تگزاس، اوهایو و مریلند			
مریلند	تگزاس	اوهایو	
۴۲ درصد	۴۴ درصد	۳۴ درصد	همه سفیدپوستان
۳۸ درصد	۴۰ درصد	۳۱ درصد	زن سفید
۴۸ درصد	۴۹ درصد	۳۹ درصد	مرد سفید

اینکه هیلاری کلینتون خیلی خوب در میان رأی دهندگان سفیدپوست مطرح شد، به این معناست که باراک اوباما در ایالت‌هایی که اکثریت جمعیت با سفیدپوستان است، در برابر جان مک کین با دشواری روبه‌رو خواهد شد. در میان رأی دهندگان دموکرات که وفاداری حزبی اندک دارند، باراک اوباما با این احتمال جدی روبه‌رو است که رأی آنها را به دست نیلورد. با توجه به اینکه او برای پیروزی در انتخابات عمومی ماه نوامبر باید بیش از نیمی از آرای مستقل‌ها را که بیشتر از سفیدپوستانند به دست آورد، مشکل بزرگتر جلوه می‌کند. باراک اوباما در مبارزات درون حزبی، بیشترین آسیب‌پذیری را در رابطه با سفیدپوستان با درآمد کم

○ باراک اوباما نامزدی از سوی حزب دموکرات را به دست آورد، ولی در جلب رأی پایگاه حزبی با شکست نسبی روبه‌رو شد. او بیشترین پشتیبانی را از سیاهپوستان، گروه‌های سنی جوان و مدیران و دانش‌آموختگان گرفت. او توانست بر پایه فاکتورهای کوتاه مدت به پیروزی برسد و سیمای یک رهبر و نامزد توانمند را به نمایش بگذارد. ترسیم شدن چهره‌ای مثبت از یک نامزد، برای پیروزی او بسیار حیاتی است؛ هر چند دانسته‌های رأی دهندگان درباره ویژگی‌های شخصیتی نامزد ممکن است کامل نباشد.

سیاسی، اقتصادی داخلی و مشکلات و مسائل خارجی ایالات متحده، این فاصله می‌بایست بسی بیشتر باشد. اینکه هیلاری کلینتون نزدیک به ۱۸ میلیون رأی دهنده را به خود جذب کرد، اینکه توانست در بزرگترین ایالت‌ها که برای پیروزی حزب دموکرات اهمیت دارد برنده شود، از همه مهمتر ترکیب رأی دهندگان به باراک اوباما، تا اندازه زیادی می‌تواند روشن کند که چرا نامزد دموکرات، با برخورداری از شرایط مساعد، باز در برابر نامزد جمهوریخواه چنین ناتوان و آسیب‌پذیر است.

یکی از گروه‌هایی که نقش تعیین‌کننده در پیروزی این یا آن نامزد در انتخابات نوامبر آینده خواهد داشت، گروه سفیدپوستان است. هر چند بر اثر دگرگونی بنیادی در ترکیب گروه‌های مهاجر به آمریکا، شمار رأی دهندگان غیر سفیدپوست رو به افزایش است، ولی سفیدپوستان همچنان بالاترین رقم را به خود اختصاص می‌دهند. در کنار اهمیت چشمگیر رأی دهندگان سفیدپوست در رقم زدن سرنوشت انتخابات، باید نقش کارساز رأی دهندگان بالاتر از چهل سال را در نظر گرفت. این گروه سنی، بیشترین رأی دهندگان را در می‌گیرد. در همان حال، در سایه افزایش مهاجرت از آمریکای لاتین، پیوسته بر شمار اسپانیایی تبارها در میان رأی دهندگان افزوده می‌شود. با بررسی ویژگی‌های شرکت کنندگان در انتخابات ۲۰۰۴، این واقعیات بیشتر به چشم می‌آید. (نمودار ۳)

اوباما در طول مبارزات درون حزبی نشان داد که در انتخابات عمومی در نوامبر آینده، سخت آسیب‌پذیر خواهد بود. او بر هیلاری کلینتون پیروز شد چون بیشترین پشتیبانی را از جناح لیبرال حزب دموکرات به دست آورد. ولی هیلاری کلینتون در انتخابات درون حزبی به سادگی توانست باراک اوباما را در میان سفیدپوستان، اسپانیایی تبارها، زنان، گروه‌های سنی بالا شکست دهد. باراک اوباما در رقابت با هیلاری کلینتون برای به دست آوردن رأی سفیدپوستان، بسیار ضعیف ظاهر شد و این ضعف در ایالت‌های بزرگ مانند تگزاس و اوهایو و نیز ایالت‌های متوسط همچون مریلند آشکارتر بود.

انتخابات درون حزبی، هیلاری کلینتون رأی این گروهها را به دست آورد و باراک اوباما در جلب نظر آنان با شکست روبه‌رو شد. هیلاری کلینتون نبرد گفتاری و سخنوری را به باراک اوباما باخت، ولی در جای حیاتی، یعنی پایگاه حزب به پیروزی رسید. آنچه عملکرد هیلاری کلینتون را برجسته‌تر می‌سازد، این واقعیت است که او بیشتر پیروزیهای خود را در ایالت‌های بزرگ و کلیدی از فلوریدا تا کالیفرنیا به دست آورده است، در حالی که باراک اوباما در این گونه ایالتها بسیار ضعیف ظاهر شده است. با در نظر گرفتن اهمیت ایالت‌های بزرگ برای به دست آوردن ۲۷۰ رأی الکتورال کالج که برای ورود به کاخ سفید لازم است، شکست موقعتی باراک اوباما آشکارتر می‌شود (نمودار ۴)

به هر رو، باراک اوباما نامزدی از سوی حزب دموکرات را به دست آورد، ولی در جلب رأی پایگاه حزبی با شکست نسبی روبه‌رو شد. او بیشترین پشتیبانی را از سیاهپوستان، گروه‌های سنی جوان و مدیران و دانش‌آموختگان گرفت. او توانست بر پایه فاکتورهای کوتاه‌مدت به پیروزی برسد و سیمای یک رهبر و نامزد توانمند را به نمایش بگذارد. ترسیم شدن چهره‌ای مثبت از یک نامزد، برای پیروزی او بسیار حیاتی است؛ هر چند دانسته‌های رأی‌دهندگان درباره ویژگی‌های شخصیتی نامزد ممکن است کامل نباشد.^{۱۳} گرچه باراک اوباما و هیلاری کلینتون در زمینه موضوعات مورد توجه دموکراتها از نظر ارزشی بسیار به

نشان داد. اکثریت قریب به اتفاق این گروه به دموکراتها رأی می‌دهند و بیشتر در مناطق روستایی و جنوب آمریکا زندگی می‌کنند. او اعلام کرد تهیدستان در سایه نارسایی‌های اقتصادی که گریبانگیرشان است، علاقه بسیار به سلاح گرم از خود نشان می‌دهند و گرایش‌های مذهبی دارند. در واقع او با تحلیلی جامعه‌شناسانه می‌خواست بگوید که طرفداران حمل اسلحه و سخت‌پایند به مذهب که در ایالت‌های جنوبی متمرکز و بیشتر نیز فقیرند، در سایه ویژگی‌های اقتصادی چنین شده‌اند. در انتخابات درون حزبی، هیلاری کلینتون رأی اکثریت قریب به اتفاق اینان را به دست آورد. با در نظر گرفتن این واقعیت که باراک اوباما برای رسیدن به کاخ سفید باید از پشتیبانی این گروه که یکی از ستون‌های برپادارنده حزب دموکرات است برخوردار شود، شکست موقعتی او آشکارتر می‌گردد. کاتولیکها و اسپانیایی‌تبارها که در ایالت‌های بزرگ مانند پنسلوانیا، کالیفرنیا و نیوجرسی زندگی می‌کنند، بیشتر به هیلاری کلینتون رأی دادند و باراک اوباما نتوانست پشتیبانی این گروه‌های کلیدی را که بخشی از ائتلاف سنتی سازنده حزب دموکرات هستند، به دست آورد.

ائتلاف شکل دهنده حزب دموکرات که در دهه ۱۹۳۰ پا گرفت و تا امروز کمابیش پابرجا مانده است، دربرگیرنده کارگران بقیه‌آبی، سیاهان، سفیدپوستان کم‌درآمد، گروه‌های سنی بالا در مراکز شهری و کاتولیکها است. این ائتلاف در گذر دهه‌ها تداوم داشته است زیرا خانواده یکی از عناصر مهم شکل دهنده شناسه حزبی است. در حالی که مراکز آموزشی و آموزگاران و دست‌اندرکاران برنامه‌های درسی، از درگیر شدن در مباحثات سیاسی خودداری می‌کنند،^{۱۱} خانواده محل انتقال ارزشهای سیاسی است و باعث می‌شود که فرد از جوانی هویت حزبی پیدا کند.^{۱۲}

امروز این ائتلاف، در سنجش با دوران فرانکلین روزولت، یعنی زمان پاگیری‌اش، بسیار شکننده شده است، زیرا شرایط زندگی در جامعه و معضلات آن سخت متفاوت و گوناگون شده است.^{۱۳} نامزد حزب دموکرات، برای پیروز شدن در انتخابات نوامبر باید بیشتر رأی‌دهندگان اسپانیایی‌تبار، شهروندان چهل ساله به بالا، کارگران سفیدپوست بقیه‌آبی و سفیدپوستان کم‌درآمد در مناطق روستایی را در کنار خود بیابد. در

○ حزب جمهوریخواه که زمانی پایگاه خود را در شمال آمریکا داشت، امروزه بیشترین پایگاه و پشتیبان را در جنوب کشور دارد. از همین رو لازم است که نامزد دموکرات در ایالت‌های کلیدی غرب میانه و شمال صنعتی، مانند میشیگان، اوهایو، پنسلوانیا، ویسکانسین، مینه‌سوتا و کلرادو پیروز شود.

○ شرایط بد اقتصادی آمریکا و مشکلاتی فرامرزی که برای این کشور پیش آمده است، راه پیروزی آسان نامزد حزب دموکرات در انتخابات عمومی ماه نوامبر را هموار می‌کند، ولی اگر بارک اوباما نتواند از پشتیبانی گروه‌های کلیدی طرفدار حزب دموکرات برخوردار شود، ممکن است نتیجه انتخابات به گونه‌ای دیگر رقم خورد.

مشارکت این گروه سنی در انتخابات، کمابیش ۷۳ درصد است.

پیروزی هیلاری کلینتون در به دست آوردن رأی بیشتر گروه‌های اصلی در ائتلاف شکل دهنده حزب دموکرات، و ناکامی بارک اوباما در این زمینه، تا اندازه زیادی روشن می‌کند که چرا نامزد دموکراتها با اینکه در این دوره انتخاباتی شرایط کشور برای پیروزی قاطع او بسیار مساعد است، در نظر سنجی‌ها فاصله چندانی با نامزد جمهوریخواهان ندارد.

«تفاوت‌های آشکار و مشخص میان طرفداران دو حزب وجود دارد. رأی دهندگان در ایالت‌های قرمز و رأی دهندگان در ایالت‌های آبی، از نظر ویژگی‌های اجتماعی و باورهای سیاسی سخت متفاوتند». ۱۵ پس بسیار حیاتی است که بارک اوباما بتواند رأی پایگاه حزبی خود را به دست آورد.

حزب جمهوریخواه که زمانی پایگاه خود را در شمال آمریکا داشت، امروزه بیشترین پایگاه و پشتیبان را در جنوب کشور دارد. ۱۶ از همین رو لازم است که نامزد دموکرات در ایالت‌های کلیدی غرب میانه و شمال صنعتی، مانند میشیگان، اوهایو، پنسلوانیا، ویسکانسین، مینه سوتا و کلرادو پیروز شود. با توجه به اینکه این ایالت‌ها انبوهی از کارگران یقه آبی، کاتولیک‌ها، سفیدپوستان تهیدست و اسپانیایی تبارها را در خود جای داده‌اند، لازم است که بارک اوباما به بازنگری بنیادی در رهیافت خود بپردازد. با در نظر گرفتن این نکته که اوباما برای به دست آوردن رأی مستقل‌ها مبارزه‌ای بسیار

هم نزدیک بودند، ولی برای بسیاری از رأی دهندگان کلیدی در حزب دموکرات، بارک اوباما نتوانست سیمای یک رهبر قابل اعتماد را به نمایش بگذارد. اوباما رأی زنان سفیدپوست را به دست نیآورد؛ کسانی که بیشتر به دموکرات‌ها رأی می‌دهند^{۱۴} و نقش کلیدی در پیروزی نامزد دموکرات و فرستادن او به کاخ سفید بازی می‌کنند. او رأی کارگران سفیدپوست یقه آبی و به گفته‌ای Joe sixpack را به دست نیآورد. جورج دبلیو بوش در انتخابات ۲۰۰۴ تنها رأی ۲۳ درصد آنان را به دست آورد. این گروه اجتماعی بیشتر به دموکرات‌ها رأی می‌دهد و یکی از ستون‌های مهم ائتلاف سنتی برخاسته از دهه ۱۹۳۰ به شمار می‌آید.

بارک اوباما برای اینکه در ماه نوامبر به پیروزی دست یابد، باید در میان این گروه به همان اندازه که هیلاری کلینتون محبوبیت داشت، اعتبار کسب کند. دیگر گروه مهم برای دموکرات‌ها، شهروندان تهیدست در مناطق روستایی اند، که بارک اوباما نتوانسته ارتباط خوبی با آنها برقرار کند. برای پیروزی در ایالت‌هایی که رأی دهندگان یکسره دموکرات یا جمهوریخواه نیستند و روشن نیست که در انتخابات به کدامین حزب گرایش خواهند یافت، به دست آوردن رأی این گروه بسیار حیاتی است، بویژه در ایالت‌هایی مانند میسوری و اوهایو که شمار این گونه افراد بسیار است. گروه دیگری که بارک اوباما در جلب پشتیبانی آنها چندان موفق نبود، اسپانیایی تبارها هستند. در نوادا، کالیفرنیا، آریزونا، کلرادو و نیومکزیکو رأی این گروه بسیار تعیین کننده است. در انتخابات ۲۰۰۴ جورج دبلیو بوش رأی ۴۰ درصد اسپانیایی تبارها را به دست آورد. با توجه به عملکرد ضعیف بارک اوباما در پنسیلوانیا، اوهایو و میشیگان، برای اینکه او آمیدی به پیروزی در ماه نوامبر داشته باشد، بی‌چون و چرای باید در کلرادو نیومکزیکو پیروز شود. تنها گروهی که از بارک اوباما به گونه بسیار چشمگیر پشتیبانی کرد، گروه دربرگیرنده افراد زیر ۳۰ سال بود که با شوق و شور فراوان به سود او فعالیت و در گرده‌های شرکت کردند و با علاقه بسیار به او رأی دادند. اما این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که به گونه میانگین، تنها ۴۹ درصد آنها در انتخابات عمومی شرکت می‌کنند. بارک اوباما در میان شهروندان بالای ۴۰ سال که گروه سنی مهمی را تشکیل می‌دهند، در برابر هیلاری کلینتون بازنده شد. میانگین

2. E. E. Schattschneider, **Party Government**, New-York: Holt, Rinehart and Winston, 1942, p. 64
3. Samuel Huntington, **Political order in Changing Societies**, New Haven, Conn.: Yale University Press, 1980, p. 91
4. Paul Allen Beck, "The Three- part Political Party" in **Party Politics in America**, 8th ed., Boston: Addison - Wesley, 1997, p. 12.
5. Elaine Ciulla Kamark and Kenneth M. Goldstein, "The Rules Do Matter: Post Reform Presidential Nominating Politics", in L. Sandy Maisel, ed. **The Parties Respond: Changes in the American Party System**, Boulder Colo.: Westview, 1990, p. 188
6. John Kessel, **Presidential Campaign Politics**, 4th ed., Pacific Grove, California: Brooks/ Cole, 1992, p.34
7. Steven Rosenstone and John Mark Hansen, **Mobilization, Participation and Democracy in America**, New York: Macmillan, 1993, pp. 177-188
8. Robert Jackson, "The Mobilization of U.S. State Electorates", **Journal of Politics**, 59, 1997, pp. 520-537
9. Morris Fiorina, **Retrospective Voting in American National Elections**, New Haven, Conn.: Yale University Press, 1988
10. John F. Bibby, Brian F. Schaffner, **Politics, Parties and Elections in America**, 6th ed, Boston, MA.: Thomson Wadsworth, 2008, p. 231
11. Herbert B. Asher, **Presidential Elections and American Politics**, 5th ed, Pacific Grove, Calif.: Brooks, Cole, 1992, p. 69
12. Fred I. Greenstein, **Children and Politics**, New Haven, Conn.: Yale University Press, 1965, p. 71
13. William H. Flanigan and Nancy H. Zingale, **Political Behavior of the American Electorate**, 4th ed, Washington, D.C.: CQ Press, 1998, p. 166
14. Jody Neuman, "The Gender Story: Women as Voters and Candidates in the 1996 Elections", in Regina Dougherty et al, **American at the Polls**, 1996, Storrs, Conn.: Roper Center for Public Opinion Research, 1997, p. 103
15. Alan I. Abramowitz and Kyle Saunders, "Why Can't We Just Get Along?" the Reality of a Polarized America", **The Forum**, Vol. 3, No. 2, 2005, p.19
16. John R. Petrocik and Fredrick T. Steeper, "Realignment and 1984: New Coalitions and New Majorities", **Election Politics**, Vol. 2, Winter 1984-85, p.7
16. Moris P. Fiorina, Samuel J. Abrams and Jeremy C. Pope, **Culture War? The Myth of a Polarized America**, New York: Longman, 2005, p.IX

سخت با جان مک کین در پیش خواهد داشت، ضرورت دارد که دست کم از رأی پایگاه حزب خود برخوردار شود. با توجه به اینکه شماری از کارشناسان بر آنند که در آمریکا جنگ فرهنگی وجود دارد و «آمریکاییان به گونه‌ی برابر تقسیم شده‌اند»^{۱۶} برای نامزد حزب دموکرات چاره‌ای جز این نیست که پشتیبانی رأی دهندگان کلیدی حزب را به دست آورد.

سخن پایانی

با توجه به شرایط بد اقتصادی در ایالات متحده و درگیر بودن آمریکا در جنگی بی‌ثمر در سرزمینی هزاران فرسنگ دورتر از خاک خود، روشن است که آمریکاییان خواهان دگرگون شدن مسیری هستند که در آن قرار گرفته‌اند. نیاز به «دگرگونی» که با توجه به واقعیات سایه افکننده بر جامعه آمریکا طبیعی جلوه می‌کند، شعار انتخاباتی نامزد حزب دموکرات نیز هست؛ ولی بر پایه نظر سنجی‌ها، باراک اوباما تاکنون نتوانسته است برتری چشمگیری بر رقیب جمهوریخواه خود به نمایش گذارد.

او در مبارزات درون حزبی با هیلاری کلینتون نشان داد که در میان گروه‌های سازنده پایگاه حزب دموکرات، یعنی سفیدپوستان یقه آبی، اسپانیایی تبارها، کاتولیک‌ها، شهروندان روستایی و شهروندان میانسال و سالخورده، از توان بسیج کافی و کارساز برخوردار نیست. هیلاری کلینتون با وجود محبوب بودن در میان این گروه‌های کلیدی، از باراک اوباما شکست خورد زیرا در استراتژی انتخاباتی خود اهمیت انجمن‌های حزبی را دست کم گرفت. شرایط بد اقتصادی آمریکا و مشکلاتی فرامرزی که برای این کشور پیش آمده است، راه پیروزی آسان نامزد حزب دموکرات در انتخابات عمومی ماه نوامبر را هموار می‌کند، ولی اگر باراک اوباما نتواند از پشتیبانی گروه‌های کلیدی طرفدار حزب دموکرات برخوردار شود، ممکن است نتیجه انتخابات به گونه‌ای دیگر رقم خورد.

کتابنامه

1. Anthony King, "How Not to Select Presidential Candidates: A View from Europe", in Austin Ranney, ed., **American Elections of 1980**, Washington, D.C.: American Enterprise Institute, 1981, p. 313

چگونگی راهیابی نمایندگان حزبی به کنوانسیون ملی حزب دموکرات

کنوانسیون ملی حزب دموکرات
انجمن‌های حزبی انتخابات مقدماتی ابرنمایندگان (نمایندگان اتوماتیک)

نمودار یک - روش‌های متفاوت انتخاباتی و نتایج آن (کلینتون و اوپاما)

ایالت	روش انتخاب	شمار آرای کلینتون	شمار آرای اوپاما	درصد رأی کلینتون	درصد رأی اوپاما	شمار نماینده حزبی متعهد
آلاباما	انتخاب مقدماتی	۲۲۶۴۵۴	۳۰۲۶۸۴	۴۲	۵۶	۶۰
آلاسکا	انجمن حزبی	۱۰۳	۳۰۲	۲۵	۷۴	۱۸
آریزونا	انتخاب مقدماتی	۲۱۶۰۷۷	۱۸۰۲۸۳	۵۰	۴۲	۶۷
آرکانزاس	انتخاب مقدماتی	۲۰۹۹۶۸	۷۹۴۱۱	۷۰	۲۶	۴۷
کالیفرنیا	انتخاب مقدماتی	۲۲۱۱۴۵۱	۱۸۰۵۶۹۲	۵۲	۴۲	۴۴۰
کلرادو	انجمن حزبی	۳۸۵۸۷	۷۹۳۴۴	۳۲	۶۷	۷۰
کنتیکت	انتخاب مقدماتی	۱۶۴۸۳۱	۱۷۹۳۴۹	۴۷	۵۱	۶۱
دلور	انتخاب مقدماتی	۴۰۷۵۱	۵۱۱۲۴	۴۲	۵۳	۲۳
منطقه واشنگتن	انتخاب مقدماتی	۲۷۳۲۶	۸۵۵۳۴	۲۴	۷۵	۳۸
فلوریدا	انتخاب مقدماتی	۸۵۷۲۰۸	۵۶۹۰۴۱	۵۰	۳۳	۱۰۵/۵
جورجیا	انتخاب مقدماتی	۳۲۸۱۲۹	۷۰۰۳۶۶	۳۱	۶۶	۱۰۳
هاوایی	انجمن حزبی	۸۸۳۵	۲۸۳۴۷	۲۴	۷۶	۲۹
آیداهو	انجمن حزبی	۳۶۵۵	۱۶۸۸۰	۱۷	۸۰	۲۳
ایلی نویز	انتخاب مقدماتی	۶۶۲۸۴۵	۱۳۰۱۹۵۴	۳۳	۶۵	۱۸۵
ایندیانا	انتخاب مقدماتی	۶۴۱۷۳۴	۶۲۳۲۹۴	۵۱	۴۹	۷۹
آیوا	انجمن حزبی	۷۳۷	۹۴۰	۲۹	۳۸	۵۷
کانزاس	انجمن حزبی	۹۴۶۲	۲۷۱۷۲	۲۶	۷۴	۴۰
لویزیانا	انتخاب مقدماتی	۱۳۶۹۵۹	۲۲۰۵۸۸	۳۶	۵۷	۶۸
مین	انجمن حزبی	۱۳۹۷	۲۰۷۹	۴۰	۵۹	۳۴
مریلند	انتخاب مقدماتی	۲۸۵۴۴۰	۴۶۴۴۷۴	۳۷	۶۰	۹۹
ماساچوست	انتخاب مقدماتی	۷۰۴۵۹۱	۵۱۱۸۸۷	۵۶	۴۱	۱۲۱
میشیگان	انتخاب مقدماتی	۳۲۸۱۵۱	۲۳۷۷۶۲	۵۵	۴۰	۷۸/۵
مینه‌سوتا	انجمن حزبی	۶۸۴۴۲	۱۴۱۵۲۷	۳۲	۶۶	۸۸
می‌سی‌سی‌پی	انتخاب مقدماتی	۱۵۵۶۸۶	۲۵۵۸۰۹	۳۷	۶۱	۴۰
میسوری	انتخاب مقدماتی	۳۹۵۲۸۷	۴۰۵۲۸۴	۴۸	۴۹	۸۸
مانتانا	انتخاب مقدماتی	۷۴۷۹۲	۱۰۲۳۷۳	۴۱	۵۶	۲۳
نبراسکا	انجمن حزبی	۱۲۴۴۵	۲۶۱۲۶	۳۲	۶۸	۳۱
نوادا	انجمن حزبی	۵۳۵۵	۴۷۷۳	۵۱	۴۵	۳۳
نیوهمپشایر	انتخاب مقدماتی	۱۱۲۲۵۱	۱۰۴۷۷۲	۳۹	۳۶	۳۳
نیوجرسی	انتخاب مقدماتی	۶۰۲۵۷۶	۴۹۲۱۸۶	۵۴	۴۴	۱۲۷
نیومکزیکو	انجمن حزبی	۷۳۱۰۵	۷۱۳۹۶	۴۹	۴۸	۳۸

نیویورک	انتخاب مقدماتی	۱۰۰۳۶۲۳	۶۹۷۹۱۴	۵۷	۴۰	۲۸۰
کارولینای شمالی	انتخاب مقدماتی	۶۵۷۹۲۰	۸۹۰۶۹۵	۴۲	۵۶	۱۱۰
داکوتای شمالی	انجمن حزبی	۶۹۴۸	۱۱۶۲۵	۳۷	۶۱	۲۱
اوهایو	انتخاب مقدماتی	۱۲۰۷۸۰۶	۹۷۹۰۲۵	۵۴	۴۴	۱۶۲
اوکلاهما	انتخاب مقدماتی	۲۲۸۴۲۵	۱۳۰۰۸۷	۵۵	۳۱	۴۷
اورگان	انتخاب مقدماتی	۲۵۲۲۷۰	۳۶۰۷۲۸	۴۱	۵۹	۶۲
پنسلوانیا	انتخاب مقدماتی	۱۲۶۰۰۶۰	۱۰۴۵۱۴۸	۵۵	۴۵	۱۸۱
رودآیلند	انتخاب مقدماتی	۱۰۸۷۵۰	۷۵۱۱۵	۵۸	۴۰	۳۲
کارولینای جنوبی	انتخاب مقدماتی	۱۴۱۱۲۸	۲۹۵۰۹۱	۲۷	۵۵	۵۴
داکوتای جنوبی	انتخاب مقدماتی	۵۴۱۷۹	۴۳۷۲۶	۵۵	۴۵	۲۲
تنسی	انتخاب مقدماتی	۳۳۲۵۹۹	۲۵۰۷۳۰	۵۴	۴۱	۸۵
تگزاس	انتخاب مقدماتی	۱۴۵۹۸۱۴	۱۳۵۸۷۸۵	۵۱	۴۷	۲۲۸
	وانجمن حزبی	۱۸۶۲۰	۲۳۹۱۸	۴۴	۵۶	
یوتا	انتخاب مقدماتی	۴۸۷۱۹	۷۰۳۷۳	۳۹	۵۷	۲۹
ورمانت	انتخاب مقدماتی	۵۹۶۴۰	۹۱۷۴۰	۳۹	۵۹	۲۳
ویرجینیا	انتخاب مقدماتی	۳۴۷۲۵۲	۶۲۳۱۴۱	۳۵	۶۴	۱۰۳
واشنگتن	انتخاب مقدماتی	۳۰۳۱۵۱	۳۳۹۱۶۶	۴۶	۵۱	۹۷
	وانجمن حزبی	۹۹۹۲	۲۱۶۲۹	۳۱	۶۸	
ویرجینیای غربی	انتخاب مقدماتی	-	-	-	-	۳۹
ویسکانسین	انتخاب مقدماتی	۴۵۲۷۹۵	۶۴۶۰۰۷	۴۱	۵۸	۹۲
وایومینگ	انجمن حزبی	۳۳۱۲	۵۳۷۸	۳۸	۶۱	۱۸

نمودار ۲- شمار نمایندگان حزبی دو نامزد دموکرات

ایالت	کل نمایندگان حزبی	هیلا ری کلینتون	بارک اوباما
کل	۱۸۰۸ ابر نماینده ۴۲۳۴ کل نمایندگان حزبی متعهد	۱۹۰۶ نماینده حزبی متعهد	۲۶۶ ابر نماینده ۲۲۰۶ نفر نماینده حزبی متعهد
آلاسکا	۱۸	۴	۱۴
آلاباما	۶۰	۲۸	۲۹
آرکانزاس	۴۷	۳۸	۸
آریزونا	۶۷	۳۵	۳۱
کالیفرنیا	۴۴۱	۲۳۱	۲۰۲
کلرادو	۷۰	۲۳	۴۵
کنتیکت	۶۰	۲۴	۳۶
منطقه واشنگتن	۳۹	۱۲	۲۵
دلور	۲۳	۸	۱۳
فلوریدا	۹۸	۵۵	۴۵
جورجیا	۱۰۲	۳۰	۷۰

هاوایی	۲۹	۹	۸	۲	۲۱	۷
آیوا	۵۷	۱۲	۱۷	۳	۳۶	۸
آیداهو	۲۳	۵	۳	۰	۱۹	۴
ایلی نوز	۱۸۳	۳۰	۴۹	۰	۱۳۳	۲۹
ایندیانا	۸۳	۱۱	۴۲	۴	۴۱	۷
کانزاس	۴۱	۹	۱۰	۱	۳۰	۷
کنتاکی	۶۰	۹	۴۰	۳	۱۶	۲
لویزیانا	۶۷	۱۱	۲۶	۳	۳۸	۵
ماساچوست	۱۲۱	۲۸	۶۵	۱۰	۵۳	۱۵
میریلند	۱۵۵	۳۵	۳۷	۱۰	۵۷	۱۴
مین	۳۳	۹	۹	۰	۲۳	۸
میشیگان	۷۰	۵	۳۸	۳	۳۷	۷
مینن سوتا	۸۸	۱۶	۲۵	۱	۶۰	۱۲
میسوری	۴۰	۷	۱۳	۰	۲۵	۵
می سی سی پی	۲۴	۸	۷	۰	۱۸	۹
مونتانا	۱۳۴	۱۹	۵۱	۳	۷۸	۱۱
کارولینای شمالی	۲۱	۸	۵	۰	۱۶	۸
داکوتای شمالی	۳۱	۷	۸	۰	۲۲	۶
نبراسکا	۳۰	۸	۱۲	۳	۱۷	۴
نیوهمپشایر	۱۲۷	۲۰	۷۱	۱۲	۵۴	۶
نیوجرسی	۳۸	۱۲	۲۰	۶	۱۸	۶
نیومکزیکو	۳۴	۹	۱۳	۲	۲۰	۶
نیویورک	۲۸۲	۵۰	۱۸۰	۴۱	۹۹	۶
اوهایو	۱۶۲	۲۱	۷۹	۵	۸۱	۱۴
اوکلاهما	۴۸	۱۰	۲۵	۱	۲۱	۷
ارگون	۶۵	۱۳	۲۳	۲	۴۱	۱۰
پنسلوانیا	۱۸۷	۲۹	۱۰۰	۱۵	۸۲	۹
رُدایلند	۳۳	۱۲	۲۱	۸	۱۰	۲
کارولینای جنوبی	۵۴	۹	۱۴	۲	۳۹	۶
داکوتای جنوبی	۲۳	۸	۱۱	۲	۱۱	۵
تنسی	۸۵	۱۷	۴۶	۶	۳۲	۴
تگزاس	۲۲۸	۳۵	۱۰۸	۱۴	۱۱۳	۱۴
یوتا	۲۹	۶	۱۱	۲	۱۸	۴
ویرجینیا	۱۰۱	۱۸	۳۴	۵	۶۲	۸
ورمانت	۲۳	۸	۷	۱	۱۴	۵
واشنگتن	۹۷	۱۹	۲۷	۱	۶۸	۱۶
ویسکانسین	۹۲	۱۸	۳۴	۲	۵۶	۱۴
ویرجینیای غربی	۳۹	۱۱	۲۳	۳	۱۲	۴
وایومینگ	۱۸	۶	۶	۱	۱۲	۵

نمودار ۳- ویژگی‌های رأی‌دهندگان در سال ۲۰۰۴ (انتخابات ریاست جمهوری)

ویژگی‌ها	درصد رأی‌دهندگان
مرد	۵۶/۳
زن	۶۰/۱
سفید	۶۰/۳
سیاه	۵۶/۳
اسپانیایی تبار	۲۸
سن	
۱۸ تا ۲۰ سال	۴۱
۲۱ تا ۲۴ سال	۴۲
۲۵ تا ۳۴ سال	۴۶/۹
۳۵ تا ۴۴ سال	۵۶/۹
۴۵ تا ۶۴ سال	۶۶/۶
۶۵ و بالاتر	۶۸/۹
میزان تحصیلات کامل شده	
۸ سال تحصیلات یا کمتر	۲۳/۶
دبیرستان	۳۴/۶
۱ تا ۳ سال	۵۲/۴
۴ سال لغات فریبندی	
دانشگاه	۶۶/۱
۱ تا ۳ سال	۷۴/۲
۴ سال یا بیشتر	

منبع:

John F. Bibby and Brian F. Schaffner, **Politics, Parties and Elections in America**, 6th ed. Boston, MA.: Thomson Wadsworth, 2008, p. 216

نمودار ۸- تأثیر اندازه ایالت بر الکتورال کالج

درصد از مجموع الکتورال کالج (۱۰ ایالت)	رای الکتورال ایالت	درصد از مجموع الکتورال کالج (۱۳ ایالت)	رای الکتورال ایالت
۱۰/۲۲ درصد	۵۵ کالیفرنیا	۵۶ درصد	۳ ورمات
۶/۳۲ درصد	۳۴ تگزاس	۵۶ درصد	۳ دلور
۵/۷۶ درصد	۳۱ نیویورک	۵۶ درصد	۳ ماتانا
۵/۰۲ درصد	۲۷ فلوریدا	۵۶ درصد	۳ داکوتای جنوبی
۳/۹۰ درصد	۲۱ پنسلوانیا	۵۶ درصد	۳ داکوتای شمالی
۳/۹۰ درصد	۲۱ ایلینویز	۵۶ درصد	۳ وایومینگ
۳/۷۲ درصد	۲۰ اوهایو	۵۶ درصد	۳ آلاسکا
۳/۱۶ درصد	۱۷ میشیگان	۷۴ درصد	۴ مین
۲/۷۹ درصد	۱۵ نیوجرسی	۷۴ درصد	۴ نیوهمپشایر
۲/۶۰ درصد	۱۴ کارولینای شمالی	۷۴ درصد	۴ رودآیلند
۴۷/۴ درصد	۲۵۵ مجموع	۷۴ درصد	۴ نوادا
		۷۴ درصد	۴ آیداهو
		۷۴ درصد	۴ هاوایی
		۸/۳۶ درصد	۴۵ مجموع

منبع:

John F. Bibby and Brian F. Schaffner, **Politics, Parties and Elections in America**, 6th ed., Boston, MA.: Thomson, Wadsworth, 2008, p. 279